

اخبار کارگری

مستمری اردیبهشت بازنشتگان طبق احکام جدید خواهد بود

رئیس کانون بازنشتگان تأمین اجتماعی تهران، زمان پرداخت مابه‌التفاوت حقوق متناسب‌سازی بازنشتگان سایر سطوح را اعلام کرد و گفت: حقوق اردیبهشت ماه براساس احکام جدید پرداخت شد. علی دهقان کیا در گفت‌وگو با مهر گفت: حقوق بازنشتگان حداقل بگیر س‌ازمان تأمین اجتماعی در فروردین ماه به طور کامل پرداخت شد و مشکلی در پرداخت‌هایز ایجاد نشده‌بود اما حقوق سایر سطوح مزدی با مشکلاتی روبه‌رو شد. وی با اشاره به اینکه نحوه متناسب‌سازی حقوق بازنشتگان سایر سطوح باعث اعتراض بازنشتگان شد، افزود: پس از اعتراض این بازنشتگان، تأمین اجتماعی مجدداً مستمری بازنشتگان سایر سطوح را بررسی و احکام جدید صادر شد. رئیس کانون بازنشتگان تأمین اجتماعی تهران تأکید کرد: حقوق اردیبهشت ماه بازنشتگان تأمین اجتماعی در سایر سطوح آغاز شده‌است. دهقان کیا اظهار داشت: بازنشتگان سایر سطوح برای حقوق فروردین ماه خود از تأمین اجتماعی مبلغی را طلب دارند و احتمالاً این مابه‌التفاوت در خرداد ماه به آنها پرداخت می‌شود.



افزایش حق مسکن کارگران از فروردین ماه اعمال شود



مدیر کل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی که در هیات وزیران تصویب شد از اول فروردین ۱۴۰۰ قابل پرداخت است و باید به همه کارگران تابع قانون کار پرداخت شود. کروش یزدان در گفت‌وگو با ایرنا افزود: در ۲۰ سال گذشته چندین بار حق مسکن افزایش یافته و به رقم ۴۰ هزار تومان در سال ۹۷ رسید. وی اظهار داشت: این مولفه دستمزد در سال ۹۷ بار شد ۱۵۰ درصدی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان رسید و پس از آن نیز دوباره بار شد سه برابری در دستمزد سال گذشته تصویب شد. در تعیین دستمزد امسال نیز شورای عالی کار پیشنهاد افزایش ۵۰ درصدی حق مسکن کارگران را مطرح کرد که این موضوع توسط هیات وزیران تأیید شد و در نهایت مصوب شد که امسال حق مسکن کارگران ۴۵۰ هزار تومان باشد.



کارگران شهرداری لوشان تجمع کردند

شماری از کارگران شهرداری شهر لوشان، روزهای شنبه و یکشنبه این هفته به اعتراض به آنچه «توهین شهردار به کارگران» می‌خوانند، مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل اجتماعات صنفی کارگران شهرداری لوشان، علاوه بر وضعیت نامشخص مطالبات مزدی و بیمه‌ای حدود ۸۰ نفر از کارگران شهرداری، توهین شهردار در برخورد با کارگران قدیمی شهرداری بوده است. کارگران شهرداری لوشان مدعی شدند که صبح روز شنبه (۲۵ اردیبهشت ماه) در اولین روز از اعتراض کارگران مجموعه کارگران و کارکنان شهرداری لوشان مقابل ساختمان شهرداری، خدماتی در محوطه حیاط و داخل ساختمان انجام داد که واکنش اعتراضی کارگران را برانگیخت.



منابع افزایش حقوق کارگران صرف کسری بودجه شد

نایب رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران گفت: ۱۰۰ میلیارد تومان برای هم‌ترازی حقوق کارگران تصویب کردیم. ۴۰ میلیارد از این مبلغ برای کسری بودجه مصرف شده است. به گزارش میزان، افشین حبیب‌زاده گفت: ما برای هم‌ترازی حقوق کارگران شرکت معبربان و سدبان ۱۰۰ میلیارد تومان تصویب کردیم اما مدیران این شرکت ۴۰ میلیارد از این مبلغ را برای کسری بودجه خودشان استفاده کرده‌اند. این ۱۰۰ میلیارد صرفاً برای هم‌ترازی حقوق کارگران است و نباید مدیرعامل شرکت سدبان این رقم را برای کسری بودجه خود استفاده کند. وی عنوان کرد: درباره کارگران شرکت خودروروسرپس نیز اجرای طرح سه‌پنجه مشکلاتی ایجاد کرده است. متأسفانه به رغم قول‌های داده شده مبنی بر عدم اجرای این طرح، اما از اول فروردین به اجرای این طرح سرعت داده شده و شاهد کاهش حقوق این افراد هستیم. لذا باید به این اقبال آسیب‌پذیر توجه شود.

بخش غیر مولد، در بانکداری دست دارد و طبقات ضعیف مدیر بت می‌کند. بخش غیر مولد، پس انداز موجود بانک‌ها را هدف می‌گیرد و به نفع خود به حرکت در می‌آورد و نابرابری را تشدید می‌کند

یک فاصله معقول از مولفه‌های وابسته به نقدینگی پیشی می‌گیرد، وضعیت بهتری داریم و در مجموع آرامش حاکم است.

باید در نظر داشته باشیم که اقتصاد کره جنوبی، ترکیه، مالزی و در مجموع بیش از ۲۰ کشور، این دوره را تجربه کرده‌اند. اینها هم با تورم‌های ۶۰ تا ۹۰ درصدی دست به گریبان بودند. این کشورها زمانی که نقدینگی را در تولید گذاشتند، توانستند به معادله‌ای که شرح دادم دست پیدا کنند، یعنی زمانی که تولید اتفاق می‌افتد و سیاست‌های پولی به سمت تحریک بی‌محابی نقدینگی میل نمی‌کنند، تورم شروع به متوقف شدن می‌کند و در بلندمدت حتی شروع به حرکت در جهت معکوس می‌کند. «دکتر عباس شاکری» در کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران» مقایسه طولانی را در این مورد انجام داده است.

بانک مرکزی در حل بحران و تنظیم مناسبات پولی، بسیار ضعیف عمل کرده است. برای مدیریت بحران و پایان دادن به تنظیم‌گیری خارج از عرف و رویه‌های قانونی که به تشدید نابرابری در ایران دامن زده‌اند، چه باید بکنیم؟

لرومانی توانیم بگوییم که افزایش وام گرفتن دولت از بانک‌ها باعث تشدید همه عوامل می‌شود، تقاضا به هر میزانی که اضافه شود، باعث افزایش کوتاه‌مدت یا بلندمدت قیمت‌های می‌شود اما هر افزایش قیمتی تورم نیست. دوره افزایش قیمت و زمان آن هم مهم است اما همان‌طور که گفتیم با پرش قیمت مواجه هستیم که توسط سرمایه‌های غیر مولد صیانت می‌شود. اگر سرمایه غیر مولد سر جای خود بنشیند یا از مسیر خلق نقدینگی به صورت ویرانگر باز گردد و بر آتش ضریب فزاینده خلق نقدینگی نماند، بسیاری از پرش‌های قیمتی منتفی می‌شوند. در نتیجه قیمت‌های پایه امکان تکان خوردن ندارند و این‌گونه تورم خود به خود در مکانیزم داخلی اش دچار کنترل می‌شود و می‌ایستد.

می‌خواهم نتیجه بگیرم که وام و تر تیبسات مرتب با آن، به پویایی اقتصاد بستگی دارد. اقتصاد مبتنی بر افراد و بنگاه‌های غیر مولد، بانک‌های خصوصی منحرف و بانک مرکزی ناکارآمد، قادر به مدیریت نقدینگی نیست و حجم نقدینگی را با چاق کردن بخش غیر مولد و تکیه‌سازی بخش مولد، افزایش می‌دهد. تمام آنچه امروز در اقتصاد ایران شاهد هستیم، به مجموعه‌ای از سیاست‌ها بازی می‌گردد و صرفاً در دولت و بانک مرکزی خلاصه نمی‌شود. برای حل این مشکلات، به اتاق‌های فکر پایدار نیاز داریم؛ اتاق‌هایی که از درون احزاب بیرون آیند اما چون حزب وجود ندارد و حتی جناح‌هایی که کمی عمیق‌تر فکر کنند هم وجود ندارند و برنامه پخته‌ای از اتاق‌های فکر موجود و جناح‌ها بیرون نمی‌زنند، امکان چنین اجماعی وجود ندارد.

به اعطای وام‌های بانکی به بخش خصوصی بر می‌گردد؛ وام‌های که با اتکا به سپرده‌های تجمیع شده در حساب‌های پس‌انداز متعلق به اشخاص حقیقی، تأمین می‌شوند. ■ شما می‌گویید که می‌توان با هدایت نقدینگی به سمت افزایش تولید، از سسنگین شدن کفه اقتصاد به نفع نیروهای غیر مولد جلوگیری کرد اما زمانی که می‌گویید بانک‌ها این وضعیت را تشدید می‌کنند، به نوعی بر دخالت سیاست‌گذار پولی بر تنظیم مناسبات بانک‌ها با بانک مرکزی صحه می‌گذارید.

می‌گویم که بانک موضوع اصلی است. بانک عامل اصلی تورم است، چه زمانی که بانک مرکزی از بانک‌ها استقراض می‌کند و چه زمانی که بخش خصوصی از محل سپرده‌ها یا محل‌های دیگر استقراض می‌کند. در این میان آن دسته از کارشناسان و منابع معتبر دانشگاهی که اقتصاد ایران را خوب می‌شناسند، انگشت اتهام را به درستی به سمت استقراض بخش غیر مولد نشانه می‌گیرند. اینها هستند که تورم خلق می‌کنند و با تورم، سفره فقرا را کوچک و مزد اسمی کارگر را بی‌ارزش می‌کنند. دست‌های خود به حرکت می‌کنند و به سمت کارگران، کشاورزان، بیکاران و حقوق‌بگیران و صاحبان درآمد‌های ثابت پرت می‌کنند. در آستین بانک‌ها و بخش غیر مولد است.

بخش غیر مولد، در بانکداری دست دارد و بانک‌های خصوصی را علیه طبقات ضعیف مدیریت می‌کند. به این واسطه بخش خصوصی پس‌انداز موجود در بانک‌ها را هدف می‌گیرد و به نفع خود به حرکت در می‌آورد و این‌گونه نابرابری را تشدید می‌کند. باید توجه داشته باشیم که بانک‌های تجاری، آشکار و نهان در خلق پول مشارکت دارند و بانک مرکزی هم موید آنها بوده است. اگر قیمت ارز رشد می‌کند، به دلیل شکل گرفتن تقاضا نیست. دلیل آن وام‌هایی است که بانک مرکزی برای پرداخت آنها چراغ سبز نشان می‌دهد. باید سپرده قانونی بانک‌ها در حساب‌هایشان نزد بانک مرکزی افزایش یابد و تشدید شود. بانک مرکزی باید رفتار به شدت سخت‌گیرانه‌ای را در پیش گیرد. البته نه اینکه دولت از ذخایر بانک‌ها برداشت کند چرا که این هم از لحاظ نایج، تفاوتی با استقراض بخش غیر مولد ندارد.

اشاره کردید که بخش خصوصی با دست انداختن به حوزه مسکن سبب انحراف منابع بانکی می‌شود. این عملکرد تا چه اندازه قدرت بران‌گریز نقدینگی را تشدید کرده است؟

عمل بخش خصوصی این است که از طریق بانک‌های خصوصی و دولتی، وام‌های منحرف تربیت می‌کند و این وام‌ها یک‌راست در خانه تورم می‌نشیند. به این واسطه، حجم نقدینگی را به شدت افزایش می‌دهند، به نحوی که حجم نقدینگی در انتهای دهه گذشته ۱۱ برابر ابتدای این دهه است. این رابطه نشان می‌دهد که پول‌ها در جایی قرار می‌گیرند که فوری تقاضا نمی‌شود و در بلندمدت تقاضا می‌شوند. به همین دلیل شاهد شدت گرفتن حجم نقدینگی و ضریب فزاینده خلق نقدینگی بر GDP هستیم در حالی که در سال‌هایی که این فاصله نزدیک یا تولید کالا و خدمات با



کارشناسان دانشگاهی که اقتصاد ایران را خوب می‌شناسند، سمت استقراض بخش غیر مولد را موجب خلق تورم می‌دانند که همین تورم، سفره فقرا را کوچک و مزد اسمی کارگر را بی‌ارزش می‌کند

به بخش مسکن را در شرایطی که تولید امکان رشد ندارد را مفید می‌دانند و از آن به عنوان یک فعالیت در بخش مولد یعنی عمران، دفاع می‌کنند. به‌زعم این عده، نباید به بهانه افزایش قیمت مسکن و فشار بر افرادی که قادر به تنظیم سهم مسکن از هزینه‌های معیشت خود نیستند، عرضه را سرکوب کرد چرا که عرضه بیشتر می‌تواند از گرانی و از بین رفتن اشتغال در بخش مسکن جلوگیری کند.

مسأله این است که در بخش مسکن تقاضای انحرافی شکل گرفته، به این معنی که مسکن یک کالای مصرفی است اما به عنوان کالای سرمایه‌ای در نظر گرفته می‌شود؛ کالایی که دو عامل پرش قیمت که ناشی از سوداگری و سفته‌بازی است و البته تورم، پشتوانه آن هستند. در نتیجه افراد می‌توانند به پشتوانه دریافت وام از بانک و خارج کردن سپرده خود از حساب پس‌انداز که به دلیل سود بالای بخش مسکن نسبت به سود بانکی اتفاق می‌افتد، در بازار مسکن قدرت‌نمایی کنند و به قولی از آب گل آلود ماهی بگیرند. می‌خواهم بگویم کسانی که تماماً دولت را متهم اول و آخر افزایش حجم نقدینگی و خلق تورم در فلان بازار معرفی می‌کنند، تحلیل دقیقی به شما ارائه نمی‌کنند.

مقصر بودن دولت تحلیل کهنه‌ای است که دیگر در کلاس‌های اقتصاد توضیح تورم همواره با رشد قیمت‌ها یکسان فرض گرفته نمی‌شود و در تورم می‌تواند معلول استقراض بانک مرکزی از بانک‌ها هم باشد اما باید توجه داشته باشیم که بخش عمده تقاضایی که سبب خلق تورم می‌شود



محبوب با اشاره به نقش مخرب غیرمولدها در بانکداری مطرح کرد:

جنبش بانک‌های خصوصی علیه طبقات ضعیف

عظیمی از پول به زیر ساخت‌های فعال کننده بازار و عقیم گذاشتن مقررات تسهیل‌کننده حضور بنگاه‌ها در کلان اقتصاد، مرتبط می‌دانند. افرادی که چنین استدلال می‌کنند، توجه ندارند که ریشه اصلی خلق نقدینگی بدون بررسی تمام جنبه‌ها، از دیده پنهان می‌ماند. زمانی که یک معادله نسبت کمیت‌های پولی به تولید ناخالص داخلی را می‌سنجیم، مانند نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی، در اینجا یک طرف معادله تولید ناخالص داخلی (GDP) است که حجم کالاها و خدمات تولیدی را در بر می‌گیرد و در طرف دیگر هم حجم نقدینگی و ضریب فزاینده خلق نقدینگی که باید با آن طرف مبادله شوند. زمانی که این دو در یک کفه قرار می‌گیرند، توری می‌شکل نمی‌گیرد. این رابطه را می‌توان با این فرمول توضیح داد: حجم نقدینگی ضربدر سرعت نقدینگی مساوی است با حجم کالا ضربدر قیمت کالا.

اگر حجم نقدینگی سرعت بگیرد و آن طرف میزان حجم کالاها و تولیدی یا GDP ثابت بماند، چون این طرف معادله افزایش پیدا کرده، قیمت‌ها هم افزایش می‌یابند. به بیان دیگر، هر چه GDP به نقدینگی‌های کلنگی که بازارش زمین قیمت‌گذاری می‌شود، ۵ بار بیشتر از بخش‌های دیگر است. تورم زمین می‌تواند از تورم مسکن هم جلو بزند. در همین حال، زمین می‌تواند عامل جهش چشمگیر قیمت مسکن شود. البته این رابطه دوسویه است و مسکن هم می‌تواند موجب جهش قیمت زمین شود اما مسکن به دلیل تأثیرهایی که از تورم سایر بخش‌ها می‌پذیرد، معمولاً یکی از پرسودترین بازارهاست. با این حال باید توجه داشت که زمین مولد محسوب نمی‌شود و تنها زمانی فعالیت مولد اتفاق می‌افتد که مسکن یا کارخانه روی آن احداث شود. به همین دلیل زمین تأثیرگذارترین بخش و غیرمولدترین آنهاست. زمانی که بانک‌ها وام می‌دهند و این وام صرف سرمایه‌گذاری در یک فعالیت غیر مولد مانند خرید زمین می‌شود، فشار تورمی عظیمی ایجاد می‌شود. بنابراین این استدلال که تمام تورم بر گردن بودجه عمومی است، مردود است.

■ اینکه خلق نقدینگی و تأثیرات تورمی آن، معیشت صاحبان درآمدهای ثابت را ویران می‌کند، از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته اما بعضاً می‌بینیم که در این مورد هم اتفاق نظر وجود ندارد. برخی ریشه زدودن رفاه جامعه را در سیاست‌هایی مانند عدم تزریق حجم

از طریق دامن زدن به خلق نقدینگی و ضریب فزاینده خلق نقدینگی متهم می‌کنند. برداشت شما چیست؟ معتمد این حرف ماخذ علمی ندارد. این عده می‌گویند وقتی دولت بودجه‌اش را افزایش می‌دهد، حجم نقدینگی بالاتر می‌رود. اساساً استقراض از بانک مرکزی تنها به دولت مربوط نیست. بخش خصوصی هم حوایج غیر مولد ایجاد می‌کند و بیشتر وام‌ها به اعتبار همین موضوع به بخش خصوصی پرداخت می‌شوند در حالی که این عمل تورم‌زاتر از بودجه دولت است. باید توجه داشته باشیم که وام‌های تخصیص یافته به فعالیت‌های غیر مولد، صرف تأمین امیال می‌شوند یا حتی به صورت غیر مستقیم به فعالیت‌هایی تخصیص می‌یابند که منافع عده‌ای محدود را تأمین کنند، هر چند ظاهر عوام پسند دارند. در واقع این‌گونه تخصیص منابع، یک راست در خانه تورم قرار می‌گیرد و باعث افزایش فوری حجم تقاضا می‌شود. در اینجا فردی به دروغ وام راه‌اندازی تولید دریافت کرده اما آن را فوراً صرف خرید زمین می‌کند تا مثلاً مسکن بسازد، در حالی که متورم‌ترین بخش اقتصاد ایران، مسکن است. تأثیر تورمی خرید زمین یا واحد مسکونی کلنگی که بازارش زمین قیمت‌گذاری می‌شود، ۵ بار بیشتر از بخش‌های دیگر است. تورم زمین می‌تواند از تورم مسکن هم جلو بزند. در همین حال، زمین می‌تواند عامل جهش چشمگیر قیمت مسکن شود. البته این رابطه دوسویه است و مسکن هم می‌تواند موجب جهش قیمت زمین شود اما مسکن به دلیل تأثیرهایی که از تورم سایر بخش‌ها می‌پذیرد، معمولاً یکی از پرسودترین بازارهاست. با این حال باید توجه داشت که زمین مولد محسوب نمی‌شود و تنها زمانی فعالیت مولد اتفاق می‌افتد که مسکن یا کارخانه روی آن احداث شود. به همین دلیل زمین تأثیرگذارترین بخش و غیرمولدترین آنهاست. زمانی که بانک‌ها وام می‌دهند و این وام صرف سرمایه‌گذاری در یک فعالیت غیر مولد مانند خرید زمین می‌شود، فشار تورمی عظیمی ایجاد می‌شود. بنابراین این استدلال که تمام تورم بر گردن بودجه عمومی است، مردود است.

■ اینکه خلق نقدینگی و تأثیرات تورمی آن، معیشت صاحبان درآمدهای ثابت را ویران می‌کند، از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته اما بعضاً می‌بینیم که در این مورد هم اتفاق نظر وجود ندارد. برخی ریشه زدودن رفاه جامعه را در سیاست‌هایی مانند عدم تزریق حجم

از طریق دامن زدن به خلق نقدینگی و ضریب فزاینده خلق نقدینگی متهم می‌کنند. برداشت شما چیست؟ معتمد این حرف ماخذ علمی ندارد. این عده می‌گویند وقتی دولت بودجه‌اش را افزایش می‌دهد، حجم نقدینگی بالاتر می‌رود. اساساً استقراض از بانک مرکزی تنها به دولت مربوط نیست. بخش خصوصی هم حوایج غیر مولد ایجاد می‌کند و بیشتر وام‌ها به اعتبار همین موضوع به بخش خصوصی پرداخت می‌شوند در حالی که این عمل تورم‌زاتر از بودجه دولت است. باید توجه داشته باشیم که وام‌های تخصیص یافته به فعالیت‌های غیر مولد، صرف تأمین امیال می‌شوند یا حتی به صورت غیر مستقیم به فعالیت‌هایی تخصیص می‌یابند که منافع عده‌ای محدود را تأمین کنند، هر چند ظاهر عوام پسند دارند. در واقع این‌گونه تخصیص منابع، یک راست در خانه تورم قرار می‌گیرد و باعث افزایش فوری حجم تقاضا می‌شود. در اینجا فردی به دروغ وام راه‌اندازی تولید دریافت کرده اما آن را فوراً صرف خرید زمین می‌کند تا مثلاً مسکن بسازد، در حالی که متورم‌ترین بخش اقتصاد ایران، مسکن است. تأثیر تورمی خرید زمین یا واحد مسکونی کلنگی که بازارش زمین قیمت‌گذاری می‌شود، ۵ بار بیشتر از بخش‌های دیگر است. تورم زمین می‌تواند از تورم مسکن هم جلو بزند. در همین حال، زمین می‌تواند عامل جهش چشمگیر قیمت مسکن شود. البته این رابطه دوسویه است و مسکن هم می‌تواند موجب جهش قیمت زمین شود اما مسکن به دلیل تأثیرهایی که از تورم سایر بخش‌ها می‌پذیرد، معمولاً یکی از پرسودترین بازارهاست. با این حال باید توجه داشت که زمین مولد محسوب نمی‌شود و تنها زمانی فعالیت مولد اتفاق می‌افتد که مسکن یا کارخانه روی آن احداث شود. به همین دلیل زمین تأثیرگذارترین بخش و غیرمولدترین آنهاست. زمانی که بانک‌ها وام می‌دهند و این وام صرف سرمایه‌گذاری در یک فعالیت غیر مولد مانند خرید زمین می‌شود، فشار تورمی عظیمی ایجاد می‌شود. بنابراین این استدلال که تمام تورم بر گردن بودجه عمومی است، مردود است.

■ تشدید مشکلات معیشتی مردم در دهه ۹۰، بسیاری با تأکید بر ناکارآمدی سیاست‌گذار پولی، این نهاد را مقصر اول و آخر این اتفاقات معرفی کردند؛ چه زمانی که سیاست‌های پولی در جهت پایین آوردن نرخ بهره تعلق گرفته به سپرده‌های بانکی تنظیم می‌شد و چه زمانی که دولت به منظور کاهش جبران اثرات کسری بودجه به ابزار مالی استقراض مانند اوراق بدهی پناه برد. منتقدان، بانک مرکزی را به تشدید مشکلات معیشتی مردم

۲۰ سال پیش، نظام تصمیم‌گیری کشور با توجیه مردمی‌سازی اقتصاد و حضور بخش خصوصی در مناسبات اقتصادی، مجوز بانکداری خصوصی را صادر کرد. آن روز شاید باور برهم خوردن تعادل اقتصاد و ریزش اعتبار سیاست‌گذار پولی تصور نمی‌شد اما امروز که تورم به اعتبار خلق نقدینگی توسط عملیات بانک‌های خصوصی در حال رکورد زدن است و در فروردین ماه به ۴۰ درصد رسیده، نشانه‌های جدی از بروز بحران به چشم خورده است.

یافتن پاسخ این پرسش مهم در کلیت کار تغییری ایجاد نمی‌کند چرا که از سال ۹۰ تاکنون، پایه پولی ۴۶ برابر و نقدینگی ۶۴ برابر شده و فشار تورمی بی‌سابقه‌ای به واسطه سیاست فشار به پایه پولی ایجاد شده است. حجم نقدینگی در سال گذشته از ۳۴۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرد و تنها در این سال حدود ۹۸۹ هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی اضافه شد.

در این شرایط انتظار می‌رفت که نقدینگی بالای موجود از طریق بازار سرمایه جذب شود و در تولید به جریان بیافتد تا عاملی برای استحکام تولید و کور کردن قدرت تخریب‌گر آن شود اما به گزارش بانک مرکزی، تکلیف بانک‌ها برای مداخله در بازار دارایی‌ها، سبب افزایش نقدینگی در سال گذشته و افزایش ضریب فزاینده خلق نقدینگی شد و فشار معیشتی بی‌سابقه‌ای از ناحیه خلق این آزار قام به مردم تحمیل شده تا جایی که افزایش حقوق و دستمزد ها اصلا به چشم نیامد. به منظور بررسی آنچه در اقتصاد ایران در جریان این خبرگزاری کار ایران (ایلنا) است «علیرضا محبوب» دبیر کل خانه کارگر گفت و گو کرده است. وی ضمن تأکید بر اثر گذاری این ساختار معیوب بر معیشت مردم دیگران، معتقد است این ساختار ضمن تشدید نابرابری، تورم را به سمت کارگران، کشاورزان، بیکاران و حقوق‌بگیران و صاحبان درآمدهای ثابت نشانه می‌گیرد.



■ تشدید مشکلات معیشتی مردم در دهه ۹۰، بسیاری با تأکید بر ناکارآمدی سیاست‌گذار پولی، این نهاد را مقصر اول و آخر این اتفاقات معرفی کردند؛ چه زمانی که سیاست‌های پولی در جهت پایین آوردن نرخ بهره تعلق گرفته به سپرده‌های بانکی تنظیم می‌شد و چه زمانی که دولت به منظور کاهش جبران اثرات کسری بودجه به ابزار مالی استقراض مانند اوراق بدهی پناه برد. منتقدان، بانک مرکزی را به تشدید مشکلات معیشتی مردم